

اقدامات تأمینی در داوری‌های تجاری با تکیه بر قواعد و مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی و رویه‌ی داوری

آتوسا رحیم زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲

حسین قربانیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

امیر خواجه زاده^۳

چکیده

امروزه با توجه به پیشرفت‌ها و گسترده‌تر شدن معاملات بین‌المللی، بالتبع اختلافات بوجود آمده نیز پیچیدگی‌های خود را پیدا نموده‌اند. از طرف دیگر داوری، برای پاسخگویی به نیاز تجار و دولت‌ها به وجود آمده است. در این میان، تعیین قانون حاکم از اهمیت بالایی برخوردار است و خود، یک علم و عمل مستقل، در روند حل و فصل اختلافات در داوری است. اصل حاکمیت اراده، در مورد قانون حاکم بر ماهیت دعوا، در داوری‌های تجاری بین-المللی، مورد پذیرش واقع شده است و بر این اساس، طرفین می‌توانند که بر سر قانون حاکم، با هم توافق نمایند و در صورت عدم حصول چنین توافقی، داوران، به صلاحدید خود، به این مهم مبادرت می‌ورزند. بحث قانون حاکم در داوری، ناشی از خصیصه‌ی بین‌المللی بودن این داوری‌ها می‌باشد و زمانی که عنصر خارجی، در داوری ورود پیدا کند، قوانین متعددی ممکن است که به داوری مربوط شود و هر کشور، مقررات بین‌المللی خصوصی یا تعارض قوانین خود را دارد. این قواعد حل تعارض، قانون ملی دادگاه است که قانون حاکم را تعیین می‌نماید. قانون حاکم، منحصر به قانون ماهوی، برای حل و فصل اصل دعوا نیست، بلکه با توجه به نوع هر اختلاف، قانون حاکم بر آن، انتخاب می‌شود و امروزه با توجه به گرایش به سوی غیر ملی کردن داوری‌ها از لحاظ ماهوی، به حقوق فرا ملی بازرگانی توجه زیادی می‌شود. از جمله موضوعاتی که در داوری با تردیدهای فراوانی مواجه می‌باشد، تعیین مرجع صلاحیتدار، از بین دادگاه ملی و دیوان داوری، جهت اعمال اقدامات تأمینی و موقت می‌باشد. در هر اختلافی، ابتدا باید قصد طرفین را معین نمود و با به رسمیت شناختن آزادی و استقلال اراده‌ی طرفین و اختیار بیشتر داوران، در داوری‌های بین‌المللی، اختیار صدور اقدامات تأمینی را به آنها می‌دهند یا به طرفین اجازه می‌دهند که این اختیار را به داوران اعطا نمایند.

کلمات کلیدی: اقدامات تأمینی، دستور موقت، قانون حاکم، صلاحیت داوران، قواعد حل تعارض.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

^۲ استادیار، گروه حقوق، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

real1690@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

مقدمه

امروزه با توجه به پیشرفت‌ها و گسترده‌تر شدن معاملات بین‌المللی، به طور طبیعی، اختلافات ناشی از این معاملات نیز از پیچیدگی‌های مخصوص به خود برخوردار شده است. با توجه به اینکه دادگاه‌های داخلی به دعاوی داخلی رسیدگی می‌نمایند و توانایی رسیدگی به این حوزه را نداشته و به علت صرف زمان طولانی و هزینه‌های زیاد، طرفین را با مشکلات زیادی مواجه ساخته است، از این رو داوری، در کنار قضاوت دولتی، سازش و... یکی از روش‌های جایگزین حل و فصل منازعه می‌باشد. فرآیند داوری، اعم از داخلی یا بین‌المللی، روی هم رفته تابع یک منظومه به نام حقوق داوری است. پایه و اساس داوری، تراضی و توافق طرفین می‌باشد. داوری در مقایسه با سایر روش‌های حل و فصل اختلاف دارای امتیازاتی از جمله سرعت در رسیدگی، محرمانه بودن، وجود اصل حاکمیت اراده در جریان دادرسی و... است. اما داوری خالی از نقص هم نیست. یکی از مهمترین مسائلی که در ابتدای مرحله رسیدگی یا در اثنای رسیدگی داوری مطرح می‌شود، مسأله اقدامات تأمینی است. با توجه به اینکه تحولاتی در حقوق و رویه داوری بین‌المللی رخ داده که موجب ترتیبات مطمئن‌تر و موثرتر برای اقدامات تأمینی است اما با وجود این امر هنوز اجرای دستور داور برای اقدامات تأمینی در کشور محل صدور دستور یا خارج از آن همچنان به صورت یک سوال باقی مانده است. در داوری هم مانند هر نوع قضاوتی احتمال دارد شرایطی به وجود آید که نیاز به دادرسی فوری باشد و داور ناگزیر از تصمیم فوری گردد. در خصوص علل و اسباب اقدامات تأمینی در داوری نیز همانند دادگاه‌ها نیز ممکن است پیش از شروع به رسیدگی یا در جریان رسیدگی و پیش از صدور رأی، وضعیت‌هایی پیش آید که تصمیم‌گیری در خصوص انجام یا عدم انجام امر خاصی فوریت یابد. بنابراین در این خصوص نیاز به درخواست نیز می‌باشد، زیرا مرجع داوری بدون درخواست یکی از طرفین، دستور اقدامات تأمینی را صادر نمی‌کند، مگر اینکه در موافقت نامه داوری، به گونه‌ای دیگر توافق کرده باشند. مسأله این است که اگر قراردادی منعقد شد و شرط ارجاع امر به داوری در آن گذاشته شد آیا داور حق صدور دستورهای تأمینی را دارد یا خیر؟ از طرفی به نظر می‌رسد حق مراجعه به دادگستری به قوت خود باقی باشد، زیرا اگر حق مراجعه به دادگستری را از طرفین سلب نماییم، باید قائل به این باشیم که به طریق اولی حق سلب شده، به داوری وارد شده است یعنی بپذیریم با ارجاع یک امر به داوری تمام مقدمات و لوازم دادرسی هم به داوری ارجاع می‌شود. بنابراین حق مراجعه به دادگستری سلب می‌شود. مانند آنچه که در اصول فقه گفته شده که اذن در شی اذن در لوازم آن است. از طرفی اراده طرفین حتی در صورت عدم شرط به حکم عقل، بر این است که با ارجاع امر به داور، فصل

خصوصیت شود و مبنای کارکرد و خاصیت رأی داور، همان اراده طرفین است بنابراین ما یا اراده طرفین را تفسیر می‌کنیم یا امور عقلی حاکم بر اراده طرفین را. نظر دیگر این است که داور در حیطه اراده طرفین ورود می‌کند و اصل، عدم زیاده است. در دوران امر، بین اقل و اکثر، ابتدا باید مشخص شود که اقل و اکثر از چه جنسی می‌باشد. باید مشخص شود که آیا داوری مستقل از اقدامات تأمینی است یا خیر؟ یک نظر این است که اقل و اکثر ارتباطی است و در اقل و اکثر ارتباطی، اصل عدم جاری است. یعنی اگر این دو به هم مرتبط باشند و اقدامات تأمینی در داوری شرط نشود، قرارداد داوری با مشکل روبرو می‌شود و اگر نظر بر استقلالی بودن آن‌ها داشته باشیم، نسبت به آنچه شرط شده، قدر متیقن را لحاظ می‌کنیم و نسبت به اکثر، اصل عدم، جاری است یعنی با وجود عدم اشتراط، داوری به قوت خود باقی است. به هر حال این تکلیف متقاضی است که با ذکر ادله و ارائه مدارک، ضرورت دستور را نشان دهد و در نهایت، احتمال ضرر و زیان غیر قابل جبران برای متقاضی وجود دارد که مصادیق این ضرر و زیان هم بسته به نوع دعوا متفاوت است. مرجع داوری می‌تواند در مواردی که دادرسی فوری است و صدور این دستورها یا قرارها احتمال دارد خساراتی به طرف دیگر وارد آورد، متقاضی آن را ملزم نماید که تأمین بسپارند. البته اخذ این تأمین بسته به تشخیص مرجع داوری است. در هر زمانی که این درخواست مطرح می‌شود، به تبع اصل دعوا خواهد بود. متقاضی باید نوع اقدامات تأمینی مورد تقاضا را معلوم نماید. اما در عمل، موضوع دستور اقدامات تأمینی چه در حوزه داوری داخلی و چه داوری بین‌المللی با توجه به حصر عقلی جنس تقاضاها، خارج از ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی نباشد که شامل توقیف مال، انجام امری یا خودداری از انجام امری به صورت موقت می‌باشد. هدف اصلی این اقدامات حفظ وضع موجود و تسهیل اجرای رأی داوری است. صدور قرار تأمین انحصاراً از مقام قضایی درخواست می‌شود و آنچه در حیطه صلاحیت داوری قرار می‌گیرد، دستور موقت در موضوع اختلافاتی است که نیاز به تصمیم فوری دارد، صادر می‌شود. مشروط بر اینکه طرفین دستور موقت را از داور سلب نکرده باشند. اما در خصوص تأمین خواسته باید تصریح شود که داور بتواند این قرار را صادر نماید، زیرا در داوری تجاری بین‌المللی پیش بینی نشده است، که این موضوع خود جای بحث دارد. پیچیدگی که در درخواست اقدامات تأمینی وجود دارد قبل از تشکیل مرجع داوری و شروع داوری است، زیرا در این مرحله هنوز داور یا داورانی تعیین نشده‌اند که داوری وجود داشته باشد و فرد به مرجع داوری رجوع کند. بنابراین اینجا محل بحث است که فرد به کدام مرجع مراجعه می‌نماید. دادگاه‌ها تنها تا تشکیل دیوان داوری اختیار صدور قرار دستورهای موقت تأمینی را داشته و پس از تشکیل دیوان داوری این اختیار به دیوان داوری محول می‌شود. البته پس از تشکیل دیوان داوری یا در جریان داوری، دادگاه‌ها باید در موارد خاصی مانند وضعیت‌های اضطراری و در مواردی که اعمال این اقدامات توسط داوری به هیچ عنوان میسر نیست یا در آن حوزه قضایی قابل به کارگیری نیست همچون دعوی مربوط به اموال غیرمنقول یا نمی‌توان به سرعت از آن استفاده کرد، اختیار اعمال اقدامات را داشته باشند، در غیر این صورت باید از آن خودداری کنند. با وجود این، در رویه داوری پذیرفته شده است که بر خلاف رسیدگی‌های دادگاهی، حق استماع طرفین داوری و رعایت قواعد عدالت طبیعی که برای داوری، اصولی و بنیادین می‌باشند، دیوان را از صدور اقدامات تأمینی و موقت به صورت یکجانبه باز می‌دارد، اما در موارد استثنائی دیوان داوری ممکن است در غیاب یک طرف، دستور یا قرارهای موقت صادر کند.

نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۹۰) داوری تجاری بین‌المللی. اختیار یا حق کلی دادگاه‌ها بر اعمال اقدامات تأمینی و موقت به معنای استفاده از آن توسط دادگاه نیست و با به رسمیت شناختن آزادی و استقلال اراده طرفین و اختیار بیشتر داوران در داوری بین‌المللی یا به طور مستقیم به دیوان داوری، اختیار صدور دستور موقت را می‌دهند یا به طرفین اجازه می‌دهند این اختیار را به داوری اعطاء نمایند. برخی قوانین نسبت به اعطاء یا عدم اعطاء چنین اختیاری ساکت می‌باشد. این سکوت می‌تواند اختیار ضمنی برای دیوان داوری تفسیر شود. دی ام لیو، جولیان. ای میتلس، ام کرول (۱۳۹۱) داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی. با وجود اختیار هیأت‌های داوری برای صدور دستور اقدامات موقت و تأمینی، در عمل طرفین، اغلب برای اینگونه اقدامات به دادگاه‌های دولتی متوسل می‌شوند. لذا چنانچه دیوان بخواهد با رعایت اصل تناظر به صدور اقدامات تأمینی بپردازد این اقدام موجب طولانی شدن رسیدگی می‌شود که با مبنای حقوقی داوری مغایرت خواهد داشت به همین دلیل بیشتر سیستم‌های حقوقی اجازه صدور اقدامات تأمینی را علاوه بر دیوان داوری به دادگاه‌های ملی هم داده‌اند. در این صورت متقاضی صدور دستور موقت، مخیر است بین رجوع به داوری یا دادگاه. از جمله دلایلی که به این کار می‌پردازند، عدم تشکیل هیأت داوری یا فقدان اختیار لازم در این زمینه است. مانند اینکه دستور فوری لازم باشد و هیأت داوری نتواند به سرعت تشکیل شود یا اقتدار مؤثری از سوی دادگاه ملی که طرف مقابل، اقدام موقت در حیطه صلاحیت آن اقامت دارد، لازم باشد یا اعمال اقدام یا صدور دستور بدون اطلاع و حضور طرف دیگر ضروری باشد. البته همه این دلایل، توسل به دادگاه‌های ملی را توجیه نمی‌کند، بلکه عوامل راهبردی و عملی هم در نحوه هدایت پرونده بی‌تأثیر نمی‌باشد. خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۳) حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی. از آنجا که قانون آیین دادرسی مدنی هیچ حکمی در این خصوص ندارد و قانون داوری تجاری بین‌المللی در ماده ۶، ۹ و ۱۷ موضع روشن و واحدی را اتخاذ نکرده است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا اختیار صدور دستور موقت و تأمین خواسته برای دادگاه و داور، توأمان وجود دارد یا خیر یا اینکه اساساً دادگاه در بعضی موارد حق دخالت ندارد؟ در این مورد اختلاف نظر است. امیر معزی، احمد (۱۳۹۳). داوری تجاری بین‌المللی. نویسنده در این کتاب این مسئله را مورد بحث قرار داده است که در کشورهایمانند پرتغال، سوئیس، فرانسه، فیلیپین و لوکزامبورگ علاوه بر دادگاه‌های دولتی، هیأت داوری هم می‌تواند قرار تأمین یا دستور موقت صادر نماید. دستورهای صادره توسط داورها اگر داوطلبانه اجراء نشود، ضرورتاً از دادگاه صالح برای اجرای آن درخواست می‌شود. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳) داوری تجاری بین‌المللی. در خصوص موضوع این تحقیق، نویسنده معتقد است، که زمانی که امکان مراجعه به دیوان داوری برای صدور دستور موقت وجود دارد، مراجعه به دادگاه، جهت اخذ دستور موقت ممکن است با استقلال داوری سازگاری نداشته باشد. افزون بر آن مراجعه مزبور می‌تواند به عنوان قرینه‌ای مبنی بر اسقاط حق مراجعه کننده از داوری تلقی شود. نهرینی، فریدون (۱۳۷۸) دستور موقت در حقوق ایران و پژوهشی در حقوق تطبیقی. زمانی که هر یک از طرفین درخواست خود را در دادگاه مطرح می‌کند، با این مانع مواجه می‌شود که ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان قاعده‌ای عام، صدور دستور موقت را در صلاحیت دادگاهی می‌داند که اصل دعوا در آنجا مطرح شده است یا صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، زیرا دادگاه، صلاحیت ذاتی

رسیدگی به دعوی که اصل آن در دیوان مطرح شده است را ندارد. صلاحیت، حقی قانونی و وابسته به نظم عمومی است و صدور دستور موقت نیز از این قاعده اصولی مستثنی نیست و همواره باید از سوی مراجعی رسیدگی شود که به طور قانونی صلاحیت ذاتی و صلاحیت نسبی رسیدگی به آن را داشته باشند. زارع، محمد (۱۳۹۲). اقدامات تأمینی در داوری با مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی خارجی و بین‌الملل. نویسنده این پایان‌نامه بر این نظر است که، در حقوق داخلی چنانچه داور را دارای صلاحیت در صدور قرارهای تأمین بدانیم باز هم رجوع به دادگاه اجتناب ناپذیر است. زیرا اجرای رای داور با دادگاه است و مشکل فعلی آن است که قرار تأمین را نمی‌توان به عنوان رای داور پذیرفت، ولی در قوانین داوری بین‌المللی و خصوصاً در قوانین داوری آمریکا، قانون-گذار دستور موقت داور را معادل رای نهایی می‌داند. کاظم‌زاده، میلاد (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی صدور دستور موقت در داوری‌های تجاری بین‌المللی. نگارنده پایان‌نامه معتقد است امروزه با وجود اینکه صدور چنین دستوراتی امری بدیهی تلقی می‌شود، ولی حدود آن را قوانین ملی داوری بین‌المللی تعیین خواهد نمود و آنچه مسلم است صدور چنین دستوراتی نبایستی مغایر قواعد آمره مقرر داوری به عنوان قانون حاکم بر مقررات شکلی داوری باشد تا امکان اجرایی شدن آن فراهم شود.

اقدامات تأمینی

مراجعه اشخاص به دادگاه، اگرچه معمولاً برای اقامه دعوا در ماهیت و مطالبه حق اصلی است که اگر با قرار قاطع رد دادخواست روبرو نشود، با گرفتن حکم پایان می‌پذیرد، اما هدف از مراجعه‌ی مذکور، همواره گرفتن حکم نیست. بلکه گاه، هدف تأمین و دور اندیشی برای اجرای حکم مأخوذه احتمالی است. به بیان بهتر، اخذ حکم، امری ثانوی می‌باشد و اکنون در وادی نظر، در پی ایجاد امنیت و ثباتی برای اجرای آن حکم احتمالی می‌باشیم. در این راستا ابتدا دستور موقت و سپس تأمین خواسته مورد بررسی قرار خواهد گرفت. منظور از قرارهای موقت قرارهایی است که با توجه به ماهیت خود، موقت بوده و یا ترتیبات موقتی را مقرر می‌دارد و با از بین رفتن شرایط صدور آنها، پایدار ماندن آنها غیرقابل توجیه شمرده می‌شود (شمس، ۱۳۸۹، ص ۵۲). دستور موقت و تأمین خواسته فراهم نگه داشتن زمینه اجرای حکمی است که در پایان دادرسی احتمالاً به سود خواهان صادر می‌شود. پس خواهان انگیزه زیادی در بکارگیری هر یک از دو نهاد مزبور دارد. آنچه مربوط به تأمین خواسته است در بندهای چهارگانه مواد ۱۰۸ و ۱۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد. در حقوق ایران آنچه از دستور موقت به مفهوم دقیق اصطلاح باید برداشت شود، نهادی است که در مواد ۳۱۰ و ۳۲۵ قانون مذکور پیش‌بینی شده است. واژه دادرسی در فرهنگ دهخدا به معنای عمل دادرسی، قضا و محاکمه آمده است و دادرسی کردن نیز به قضا، محاکمه کردن، اجرای قانون کردن و اجرای عدالت، معنی شده است (دهخدا، جلد ششم، ۱۳۷۳، ص ۸۹۹۶)، واژه فوری نیز به مفهوم آنچه که اجرای آن به سرعت انجام گیرد، به سرعت سریعاً، معنی گشته است (دهخدا، جلد دهم، ۱۳۷۳، ص ۱۵۲۰۲). بنظر می‌رسد آنچه در معنی لغوی دادرسی فوری و دستور موقت آمده نسبت به آنچه که در مفهوم اصطلاحی این نهاد تأمینی به کار می‌رود، وضعیت گسترده و عام تری دارد.

اقسام داوری

داوری را می‌توان براساس معیارهای مختلف به انواع گوناگونی تقسیم نمود. به طور کلی، چگونگی برگزاری داوری، بستگی به نوع آن دارد. برگزاری، داوری تحت هر یک از اشکال ذیل، به انتخاب و توافق طرفین بستگی دارد. بنابراین داوری را از حیث نحوه‌ی تشکیل می‌توان به داوری داخلی و بین‌المللی، موردی و سازمانی و اختیاری و اجباری تقسیم نمود.

داوری داخلی و بین‌المللی

یکی از تقسیم‌بندی‌های مهم داوری، تقسیم داوری به داخلی و بین‌المللی است. در بسیاری از کشورها، برای داوری‌های داخلی و بین‌المللی، قواعد مجزایی وضع شده و معیار ثابتی برای تعریف این مفاهیم وجود ندارد. در داوری داخلی، دخالت و نظارت قانونی بر فرآیند داوری نسبت به داوری بین‌المللی بیشتر است، زیرا همه عناصر اختلاف و رسیدگی، مربوط به یک نظام حقوقی ملی است. درحالی‌که در داوری بین‌المللی، مقر داوری ممکن است، صرفاً محل داوری باشد و ارتباط معناداری با اختلاف موردنظر نداشته باشد. افزون بر آن، تفاوت فرهنگ‌ها، زبان‌ها و نظام‌های حقوقی ملی، اقتضا دارد که مقررات قابل انعطاف‌تری اتخاذ شود و همچنین در داوری بین‌المللی، احترام به آزادی قراردادی، بیشتر و گسترده‌تر از داوری داخلی است (ردفرن و هانتر^۱، ۲۰۰۴، ص ۱۲). برخی معتقداند که معیار این تقسیم‌بندی، تابعیت طرفین داوری است. مطابق بند ب ماده (۱) قانون داوری تجاری بین‌المللی، داوری بین‌المللی عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقت‌نامه داور به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد. بنابراین، داوری‌ای را داخلی می‌داند که طرفین آن در زمان انعقاد موافقت‌نامه داوری، ایرانی باشند. پس اگر یکی از طرفین یا هر دو خارجی باشند، داوری بین‌المللی خواهد بود. مطابق بند (ت) ماده (۱) آییننامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری اتاق ایران، در مورد حل و فصل اختلافات تجاری داخلی و بین‌المللی مقرر می‌کند داوری تجاری داخلی عبارتست از حل اختلافات و دعاوی راجع به روابط و معاملات تجاری بین اشخاص حقوقی یا حقیقی که در زمان انعقاد موافقت‌نامه داوری به موجب قوانین ایران، تبعه‌ی ایران باشند (کریمی، ۱۳۹۳، ص ۵۱-۵۲). نظر دیگر آن است که داوری، وقتی دارای جنبه‌ی بین‌المللی است که یکی از ویژگی‌های عدم تابعیت واحد، وجود مراکز اصلی فعالیت یا اقامتگاه در کشورهای مختلف، وقوع قرارداد در خارج از کشورهای متبوع طرفین، اجرای قرارداد در یکی از آن کشورها، تابعیت خارجی داور معین شده، برگزاری داوری در خارج از کشورهای طرفین یا خارج از کشور یکی از طرفین دعوا و امثال آن وجود داشته باشد که در تمام این موارد، داوری، دارای ذات و طبیعت بین‌المللی است (اسکینی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۷). می‌توان گفت که اگر در داوری، عنصر خارجی وجود نداشته باشد، مثل تابعیت یا اقامتگاه، محل داوری و امثال آن و همه در کشور واحدی باشند، داوری مزبور داخلی محسوب می‌شود، ولی اگر عنصر خارجی وجود داشته باشد، بین کشورها اختلاف نظر است. برخی

تابعیت را ملاک می‌دانند، مانند ایران، ولی در حقوق فرانسه، معیار، منافع تجاری بین‌المللی است. براساس ماده ۱۴۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه داوری در صورتی بین‌المللی است که موضوع آن مربوط به یک نفع تجاری بین‌المللی باشد (کریمی، ۱۳۹۳، ص ۵۴). در برخی دیگر از نظام‌های ملی، اختلاف اقامتگاه یا محل تجاری طرفین را ملاک بین‌المللی بودن قلمداد کرده‌اند. درحالی که برخی دیگر، به بین‌المللی بودن رابطه‌ی حقوقی بین طرفین توجه نموده‌اند. طبق ماده ۱۷۶ قانون بین‌الملل خصوصی سوئیس، داوری زمانی بین‌المللی تلقی می‌شود که در زمان انعقاد موافقت نامه داوری، حداقل اقامتگاه یا محل سکونت معمول یکی از طرفین، خارج از سوئیس باشد و در برخی از کشورها، مانند بلغارستان، هر دو ملاک، قبول شده است. قانون نمونه داوری آنسیترال که مورد پذیرش کشورهای زیادی قرار گرفته است، معیارهای متفاوتی را برای بین‌المللی شدن داوری مقرر کرده است. براساس بند (۳) ماده (۱) قانون نمونه، وجود یکی از معیارهای زیر به بین‌المللی شدن داوری منجر خواهد شد. محل تجاری طرفین در زمان انعقاد موافقت نامه داوری در دو کشور متفاوت واقع شده باشد. اگر محل تجاری طرفین در یک کشور واحد واقع شده، مقر داوری در کشور دیگر می‌باشد. اگر هم محل داوری و هم مقر داوری در یک کشور واحد است، بخشی از تعهدات ناشی از رابطه‌ی تجاری در کشور دیگری باشد یا اگر طرفین صراحتاً موافقت نکرده باشند که موضوع موافقت نامه داوری به بیش از یک کشور مربوط است، در این صورت نیز داوری بین‌المللی محسوب می‌گردد. در قانون داوری تجاری بین‌المللی، در مقایسه با قانون نمونه‌ی آنسیترال، ملاک معتبری برای تعیین رأی داور وجود ندارد. قانون داوری تجاری بین‌المللی، معیار بین‌المللی را تابعیت قرار داده است. بند (ب) ماده (۱) این قانون، در حالی که بند (ت) ماده (۱) قانون نمونه، ملاک‌های دیگری به غیر از معیار تابعیت، همچون اقامتگاه طرفین دعوا، محل داوری و محل اجرای بخش اساسی تعهدات را در نظر گرفته است. با عنایت به این گفته و بر اساس مقررات قانون داوری تجاری بین‌المللی، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک، قانون موافقت نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران، کمیته‌ی حقوقی مشورتی آسیایی آفریقایی، راجع به ایجاد مرکز منطقه‌ای داوری در تهران مصوب ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، اگر رأی داوری بین‌المللی، توسط داور هیأت داوری، سازمان داوری یا مرکز منطقه‌ای داوری تهران، در ایران صادر شود و مستند رأی مزبور، قرارداد داوری باشد که هنگام تنظیم آن یکی از طرفین تبعه ایران نبوده، در کشورهایی که به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی ملحق شده‌اند، رأی موصوف، در زمره احکام داخلی آن کشورها نخواهد بود، ولو آنکه طبق مقررات کنوانسیون، از آن دولت‌ها، اجرای رأی داوری بین‌المللی مزبور تقاضا شود و آنها رأی را اجرا کنند، اما حکم داوری بین‌المللی موصوف، چون در جمهوری اسلامی ایران صادر و قابل اجرا است، در زمره احکام داخلی نیز محسوب می‌شود (روزرخ، ۱۳۸۹، ص ۱۳). به نظر نمی‌رسد که اختلاف تابعیت، معیار مناسبی برای تشخیص بین‌المللی بودن داوری باشد. از لحاظ اینکه قانون ایران، وصف بین‌المللی رأی را در نظر نگرفته، اصلاح آن، ضروری به نظر می‌-

رسد و لازم می‌آید بند ۲ ماده (۱) قانون نمونه در ماده (۲) قانون ایران گنجانده شود (جنیدی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۳). نکته دیگری که در این تقسیم‌بندی وجود دارد، این است که در دعاوی داخلی، داوری، جایگزین رسیدگی قضایی در دادگاه‌هاست، ولی در دعاوی بین‌المللی شیوهی منحصر به فرد حلّ و فصل اختلافات تجاری است، زیرا اساس داوری، به تراضی است و هیچ مرجع یا دادگاه بین‌المللی با صلاحیت عام، وجود ندارد تا داوری، جایگزین آن گردد (کاکاوند، ۱۳۸۹، ص ۲۲). تقسیم داوری به داخلی و بین‌المللی، دارای آثاری می‌باشد. داوری داخلی اصولاً مشمول قانون آیین دادرسی مدنی است، ولی داوری بین‌المللی، اصولاً تابع قانون داوری تجاری بین‌المللی است. طبق ماده (۶) قانون داوری تجاری بین‌المللی، دادگاه صالح، در خصوص اختلافاتی که در مورد داوری تجاری بین‌المللی مطرح می‌گردد، اصولاً دادگاه عمومی مرکز استانی است که مقرّ داوری، در حوزه آن قرار دارد، ولی در داوری داخلی، اصولاً دادگاه صالح، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. در مواردی که طرف دعوا خارجی است، چنانچه طرف ایرانی، دولت و نهادهای دولتی باشد، تحت شرایطی، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.

داوری موردی و سازمانی

دو شکل داوری وجود دارد، داوری موردی و داوری سازمانی. که هر دو شکل، بر توافق طرفین داوری استوار است و با توجه به قصد طرفین، مبنی بر استفاده یا عدم استفاده از خدمات و امکانات یک سازمان و مؤسسه داوری، انتخاب می‌شود. در داوری موردی یا اختصاصی، همانگونه که از نام آن پیداست، ساختار داوری و چگونگی برگزاری آن، مختص به دعوا و مورد مطروحه می‌باشد و با توافق طرفین، متناسب با دعوی آن‌ها تعیین می‌شود (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۵۲). یعنی طرفین به داوری شخص یا اشخاص معینی توافق می‌کنند و شخص مزبور نیز، داوری را مطابق مقرّرات آیین دادرسی مدنی پیش می‌برد (کریمی، ۱۳۹۳، ص ۵۶) و دیوان داوری که برای رسیدگی به اختلاف یا اختلافات طرفین تشکیل شده است، پس از انجام وظیفه‌ی محوله، منحل می‌شود (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۱۷-۱۸). در این داوری، جریان داوری از شروع تا خاتمه تحت نظارت هیچ مؤسسه خاصی نیست و لذا خدمات داوری، مانند دریافت درخواست و مبادله‌ی لوایح و ابلاغ آن‌ها یا سایر اوراق داوری و غیره می‌بایست، رأساً توسط طرفین و داوران صورت گیرد. ثانیاً آیین دادرسی داوری و تشریفات برگزاری داوری و رسیدگی به موضوع مورد اختلاف، معمولاً توسط داوران منتخب و ندرتاً به وسیله‌ی طرفین، تهیه و تدوین می‌شود، مگر اینکه تصمیم بگیرند که یکی از مقرّرات داوری موجود را اجرا کنند (محبی، ۱۳۸۹، ص ۶۰). در ایران، قانون آیین دادرسی در امور داخلی و قانون داوری تجاری بین‌المللی در امور بین‌المللی، این اختیار را به طرفین می‌دهند که هم داور و هم شیوه‌ی رسیدگی را انتخاب کنند. به وجود آمدن داوری سازمانی نیز، ناشی از همین اختیاری است که قانون به طرفین داده است (مشکور، ۱۳۹۱، ص ۸۲). بنابراین داوری سازمانی در جایی است که طرفین توافق

می‌کنند که اختلاف آن‌ها توسط یا تحت نظارت یک سازمان، داوری شود یا توسط آن سازمان کنترل، اداره یا مدیریت شود (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۵۷). نظارت بر جریان رسیدگی داوری، کنترل کیفیت رأی، هزینه‌های داوری، حق الزحمه داور و ابلاغ رأی، از جمله وظایف سازمان داوری است (نیکبخت، ۱۳۹۱، ص ۵۷) سازمان داوری، برای رسیدگی به اختلاف خاصی تشکیل نشده و طبیعتاً نیز با پایان یافتن رسیدگی به آن اختلاف، از بین نخواهد رفت (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۲۰). لازم به ذکر است که فعالیت داوری به شکل سازمان یافته در ایران، عمدتاً در مراکزی انجام می‌پذیرد که به تازگی و در سال‌های اخیر به وجود آمده‌اند. عمده مراکز داوری سازمانی در ایران عبارتند از؛ مرکز منطقه‌ای داوری تهران و یا مرکز داوری اتاق تعاون کشور، به اراده قانون‌گذار تأسیس شده‌اند و مرکز داوری کانون وکلای دادگستری مرکز با تمایل کانون وکلا به وجود آمده است. اما اتاق بازرگانی ایران را می‌توان، مخلوق خواست محافل وابسته به بازرگانی کشور و از سوی دیگر قانون‌گذار دانست که حمایت‌های قانونی خاصی از آن به عمل آورده است (امیرمعزی، ۱۳۹۲، ص ۵۰). بنابراین، تجار می‌توانند ضمن قرارداد خویش، حل و فصل دعوی احتمالی را به یکی از این سازمان‌ها ارجاع دهند. از مزایای داوری سازمانی، در مقابل داوری موردی، عملکرد معتبر و بی طرفانه، در اجرا و نظارت بر داوری است و طرفین و داوران نمی‌توانند با عدم همکاری خود، در روند آن خلل ایجاد یا آن را خنثی کنند و در صورت عدم همکاری یک طرف، نیازی به رجوع به دادگاه ملی برای تشکیل دیوان داوری و تعیین داور، در صورتی که در قانون آن کشور چنین پیش‌بینی شده باشد، نخواهد بود (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۵۸-۵۹) و همچنین صدور آرای علمی‌تر و عاقلانه‌تر و معمولاً آرای معتبرتر و مستحکم‌تر، در مدت زمان کوتاه‌تر، در داوری، متداول است (امیرمعزی، ۱۳۹۲، ص ۴۳)، زیرا سازمان‌های داوری، علاوه بر داشتن آیین رسیدگی، از تجربه و دانش لازم جهت بهره‌مندی از داوران متخصص و هدایت روند داوری برخوردارند و بنابراین طرفین می‌توانند از این دانش و تخصص استفاده کنند (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۲۲). با این حال، داوری موردی هم، دارای مزایایی نسبت به داوری سازمانی است. یکی از مزایای متصور ولی نه الزاماً درست داوری اختصاصی یا موردی، این است که چون طرف‌ها، کنترل فرآیند داوری را در دست دارند، این قسم از داوری ممکن است که در مقایسه با داوری سازمانی ارزان‌تر باشد (دی ام لیو و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۱) و همچنین صرف کردن وقت کمتری در داوری موردی، از این جهت که در داوری سازمانی امور اجرایی - اداری سازمان، می‌تواند باعث طولانی شدن زمان داوری و صرف وقت بیشتری باشد (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۶۱)، لذا این نوع داوری در روابط بین دولت‌ها و اشخاص خصوصی مناسب است. با دوری گزیدن از هر نهاد، طرفین اختلاف، راه حل‌های ارائه شده و اسرار تجاری خود را بیشتر حفظ می‌کنند (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۲۹-۳۰). در داوری خاص یا موردی، بین طرف اول و دوم قرارداد اصلی، قرارداد داوری وجود دارد. یک رابطه قراردادی دیگری هم بین داور و دو طرف شکل می‌گیرد. این رابطه قراردادی، اصولاً بعد از قرارداد اول به وجود می‌آید، اما در داوری سازمانی، این رابطه سه جانبه، به دو رابطه سه جانبه‌ی تو در تو تبدیل می‌شود. یعنی در این نوع داوری، قرارداد داوری به جای

اینکه دو طرفه باشد، یک رابطه سه طرفه بین طرف اول، طرف دوم و سازمان داوری است. بدین معناکه مؤسسه داوری در رأس و طرفین در دو ضلع دیگر قرار دارند و بعد از اینکه داور تعیین شد دو رابطه‌ی حقوقی مستقل دیگر ایجاد می‌شود. رابطه‌ی بین داور و طرفین از یکسو و رابطه‌ی بین داور و مؤسسه داوری از سوی دیگر (مشکور، ۱۳۹۱، ص ۸۶). با بررسی کتب مختلف، چنین مستفاد می‌شود که به نظر نگارنده، داوری موردی، در جایی به کار می‌رود که طرفین قصد دارند تا دعوی خود را به یک یا چند داور ارجاع دهند، اما در داوری سازمانی، طرفین قصد دارند که داوری خود را تحت نظارت یک سازمان قرار دهند. داوری سازمانی در مقابل داوری موردی، از مزایای بیشتری برخوردار می‌باشد، از جمله می‌توان به عملکرد معتبر و بی‌طرفانه، در اجرا و همچنین آرای علمی‌تر و معتبرتر در مدت زمان کوتاه‌تری اشاره کرد.

داوری اختیاری و اجباری

مبنای این تقسیم‌بندی، به آزادی طرفین منازعه، در انتخاب مرجع رسیدگی بر می‌گردد. اگر مراجعه به داوری از روی اراده باشد اختیاری می‌باشد. مطابق ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی، متعاملین می‌توانند ضمن معامله ملزم شوند یا به موجب قرارداد جداگانه تراضی نمایند، که در صورت بروز اختلاف بین آنان، به داوری مراجعه کنند و نیز می‌توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند. اما اگر مراجعه به داوری از روی اجبار باشد، اجباری محسوب می‌شود، که به واسطه مصلحت یا طبیعت کار مورد نظر بوده است و نه خواست طرفین. بنابراین، داوری‌های موضوع شرایط عمومی بیمان یا آیین‌نامه‌های واگذاری شرکت‌های دولتی، اختیاری محسوب نمی‌شود (کریمی، پرتو، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

نتیجه‌گیری

در دادرسی از مسیر داوری، همچون رسیدگی‌های دادگاهی، نیاز به اعمال اقدامات تأمینی و موقت، از فوریت و اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. این اقدامات، با هدف حفاظت از ادله، اموال یا برای حمایت از خواسته‌ی یک طرف، در دعوی اصلی، ضرورت دارد. قانون‌گذار ایران، در خصوص صدور این دستورات، دارای رویکردی دوگانه می‌باشد. در حالی که قانون داوری تجاری بین‌المللی، امکان صدور دستور موقت و تأمین خواسته را پیش بینی کرده، اما قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص، سکوت اختیار کرده است که این موضوع خود، باعث بروز تردیدهایی، در داوری داخلی شده است. در قوانین داوری برخی از کشورها اختیار صدور قرارها و دستورات موقت و تأمینی را به مرجع داوری واگذار کرده‌اند. در مقابل، برخی از دیگر، صدور اقدامات مذکور را در

صلاحیت دادگاه‌های ملی می‌دانند و برخی دیگر از قوانین، صلاحیت همزمان این دو نهاد را پذیرفته‌اند. با وجود اینکه داوران اختیار ذاتی برای صدور دستور موقت و اقدامات تأمینی را ندارند، اما طرفین می‌توانند با توافق خود این اختیارات را به داوران اعطا کنند. البته در این خصوص محدودیتی وجود دارد که طرفین می‌توانند با توافقات خود، صلاحیت صدور این اقدامات را از دیوان داوری و دادگاه سلب کنند، زیرا منشا داوری، اراده طرفین می‌باشد. در این خصوص، مطلقاً محدودیتی با توجه به تفسیر رایج محاکم از ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی که به عنوان قاعده‌ای عام مطرح است، وجود نخواهد داشت، چرا که اساساً این ماده، در مقام تبیین حالتی که شرط داوری وجود دارد، نبوده است و صرفاً فرضی را مطرح می‌کند که قرار است به دادگستری مراجعه نماییم. در عمل نیز ممکن است که این اقدامات پیش از شروع داوری، در زمانی که دیوان تشکیل نشده است یا حتی پس از تشکیل دیوان و در جریان داوری، به کار آید. در این شرایط، محروم کردن فرآیند داوری، از صدور دستور موقت، سبب تضعیف و بی اثر شدن داوری خواهد شد. از سوی دیگر، در شرایطی که زمان، مولفه‌ای موثر در داوری می‌باشد و موضوع خواسته، در معرض از بین رفتن قرار دارد، پس از تشکیل مرجع داوری، رجوع به دادگاه، برای حمایت از داوری و مساعدت می‌تواند بسیار مفید واقع شود. دادگاه در هر زمان، می‌تواند تصمیمات خود را اجرا نماید و از ضمانت اجرای قوی و فوری برخوردار است، اما داوری، فاقد این تضمین‌ها بوده و تنها می‌تواند طرحی را در قالب دستور فوری، پیشنهاد دهد تا بعد از تایید در دادگاه و به دستور این مرجع، به مرحله اجرا درآید. این نکته را نباید اینگونه تفسیر کرد که ناقض غرض اصلی شرط داوری و عدم نیاز به مراجعه به دادگستری باشد که شرط اصلی و بنایی طرفین است که توافق داوری، اساساً متبانیاً بر آن منعقد شده است. به دیگر سخن، تبعیت از قصد طرفین و تفسیر موسع اصل آزادی اراده و حکومت آن بر فرآیند تفسیر اراده طرفین، نتیجه‌ای جز این در پی نخواهد داشت که با قبول شرط داوری، از جمله آثار و لوازم اصلی آن و نه تنها مقتضای اطلاق، بلکه مقتضای ذات آن، عدم مراجعه به مراجع قضایی، تا سر حد امکان می‌باشد و این مهم، انطباق تام، با منطبق درون قانون مدنی و مقدمات عقلی و بایسته‌های تقنین در مسیر قانون‌گذاری دارد. از سوی دیگر، باید محدودیت‌های داوری را در نظر داشت که دیوان داوری فاقد قدرت اجبار کنندگی، برای اجرای اقدامات تأمینی و موقت می‌باشد و نمی‌تواند ضمانتی برای عدم رعایت آن تحمیل کند. همچنین دیوان داوری، تا پیش از تشکیل نمی‌تواند اقدامات مذکور را اعمال نماید، لذا در شرایط اضطراری، چاره‌ای به غیر از مراجعه به دادگستری باقی نمی‌ماند. دادگاه به حکم اصل استمرار خدمات عمومی، در هیچ زمانی تعطیل بردار نیست و در هر زمانی که لازم باشد طرفین می‌توانند به آن مراجعه کنند. در حالی که اگر داوری شروع نشده باشد، داور نیز حق دخالت ندارد. با اینکه بسیاری از قوانین، مانند آسی‌سی‌سی و قواعد داوری بین‌المللی سوئیس، امکان صدور این اقدامات، قبل از تشکیل دیوان داوری را پیش‌بینی کرده‌اند، اما با مذاقه در نظر اکثریت، می‌توان راه حل را اینگونه ارائه داد که محاکم دادگستری، تنها تا پیش از تشکیل دیوان داوری، اختیار ذاتی برای صدور اقدامات تأمینی را دارند و پس از تشکیل دیوان داوری، این اختیار،

به دیوان داوری واگذار خواهد شد که دخالت محاکم، در مواردی که به ماهیت دعوا مربوط نمی‌باشد، از باب مساعدت و حمایت در وضعیت‌های اضطراری می‌باشد که توسط داوری، به هیچ عنوان میسر نیست، مگر مراجعه به مقررات داور اضطراری آن هم صرفاً در خصوص آی سی سی. امروزه این نکته، مورد قبول است که آزادی اراده‌ی طرفین، فی نفسه، به عنوان یک حق، مطرح است. این قاعده، خصلتی فرا ملی و جهان شمول دارد و چون مورد توافق و پذیرش طرفین قرار گرفته است، اثری الزام‌آور دارد. بی‌تردید آزادی اراده‌ی طرفین، برجسته‌ترین و مقبول‌ترین قاعده‌ی بین‌المللی تعارض قوانین است. نتایج نشان می‌دهد که با توجه به پیشرفت روز افزون داوری تجاری بین‌المللی، این قانون، یک تحول نوین، در داوری ایران محسوب می‌شود و نقش قابل ملاحظه‌ای را در حل و فصل دعاوی تجاری بین‌المللی ایفا می‌نماید و به صراحت، می‌توان گفت که در داوری‌های تجاری بین‌المللی، اراده‌ی طرفین، مبنا و اساس کار است. اصل آزادی اراده‌ی طرفین، از حیث حق انتخاب قانون حاکم، مورد شناسایی وسیعی قرار گرفته است. قانون‌گذار ایران هم با وجود ماده ۹۶۸ قانون مدنی، این اصل را می‌پذیرد، لذا وفق این اصل، طرفین داوری آزاد هستند که قانون یا قواعد حاکم بر ماهیت دعوا را که باید در داوری حل و فصل شود، معین نمایند و دیوان داوری نیز ملزم به رعایت یا اعمال قانون یا قواعد منتخب طرفین می‌باشد. بی‌تردید، اصل استقلال یا آزادی اراده‌ی طرفین، یکی از برجسته‌ترین اصول تعارض قوانین و پذیرفته شده در سطح جهانی است، به گونه‌ای که به عنوان تعارض قوانین بین‌المللی، شناخته می‌شود و به عنوان یک حق، دارای ویژگی فرا ملی و جهانی می‌باشد. البته به نظر می‌رسد که قواعد تعارض قوانین ملی، برای تجارت بین‌الملل، قواعدی مکفی نباشد و وسعت تنوع سیستم‌های قواعد حل تعارض، سبب ناپایداری و پراکندگی در قانون قابل اعمال بر ماهیت دعوا در داوری است که می‌توان با به روز و به هنگام کردن قواعد ماهوی، چه در سطح ملی و چه فرا ملی و با حذف تنوع موضوعات، تعارض قوانین را بهبود بخشید. هرگاه که قانون حاکم بر ماهیت دعوا، به وسیله‌ی طرفین قرارداد، تعیین نشده باشد، دیوان داوری در تعیین قانون قابل اعمال بر موضوعات دعوا، اختیار دارد و در مواردی که به تشخیص داور، قوانین ماهوی مختلفی بر ماهیت دعوا حاکم باشد، می‌توان با استناد و توسل به قاعده‌ی حل تعارض کشور محل داوری، قانون کشور دارای نزدیک‌ترین ارتباط با قرارداد یا موضوع دعوا، اصول کلی حقوق بین‌الملل و فراملی و سیستم آزادی داور اشاره کرد و از سوی دیگر، قوانین بازرگانی فراملی، یکی از منابع مهم در حل و فصل دعاوی تجاری بین‌المللی می‌باشند که رویکردی غیر محلی را به قانون حاکم بر آیین دادرسی داوری داده‌اند و آن را از چهارچوب مقررات دولتی، خارج ساخته‌اند و در این قوانین، عرف‌های بازرگانی، یکی از منابع قابل اعمال می‌باشد، به ویژه در جایی که خلائهای قانونی وجود دارد، اما اصولاً، داور بر اساس قانون، حکم می‌دهد و به صورت کدخدا منشانه و بر اساس انصاف به حل و فصل دعوا نمی‌پردازد، مگر آنکه طرفین، صراحتاً به وی چنین اختیاری داده باشند. در این مقاله، تلاش شد تا با تبیین امکان صدور دستور موقت توسط مرجع داوری و دادگاه، اصل صلاحیت هم زمان و همعرض این دو مرجع را در صدور اقدامات تأمینی و محدودیت‌های ناشی از

آن که شامل محدودیت ذاتی اختیار داوران و دیگری اصالت و عام بودن صلاحیت یا اختیار دادگاه‌ها می‌باشد را ارائه دهیم، لذا با لحاظ نکات یاد شده در داوری، از آنجا که رسیدگی به ماهیت دعوا، در صلاحیت دیوان داوری می‌باشد، دادگاه‌ها در موارد خاص و اضطراری که اعمال این اقدامات توسط داوری به هیچ عنوان میسر نیست، اختیار اعمال این اقدامات را دارند.

منابع

- اسکینی. ربیعا. ۱۳۷۱. مباحثی از حقوق تجارت بین الملل، نشر دانش امروز، چاپ اول.
- احمدی. نعمت. ۱۳۷۱. آیین دادرسی مدنی، انتشارات اطلس، چاپ اول.
- احمدی. نرگس. ۱۳۹۳. بررسی حقوقی توقیف در اعتبارات اسنادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- ادریسبان. محمد رضا. ۱۳۸۰. دستور موقت، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ دوم.
- امیر معزی. احمد. ۱۳۹۲. داوری بازرگانی بین المللی، نشر دادگستر، چاپ اول.
- امیرمعزی. احمد. ۱۳۹۳. داوری بین المللی در دعاوی بازرگانی، نشر دادگستر، چاپ چهارم.
- ایوبی، فاطمه. ۱۳۸۴. چگونگی با داوری اختلافات حقوقی خود را مسالمت آمیز حل کنیم، انتشارات سخن گستر.
- جعفری لنگرودی. محمد جعفر. ۱۳۹۳. ترمینولوژی، نشر گنج دانش، چاپ بیست ششم.
- جنیدی. لعیا. ۱۳۷۶. قانون حاکم در داوری های تجاری بین المللی، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول.
- حبیبی. محمود. ۱۳۹۰. تفسیر قراردادهای تجاری بین المللی، نشر میزان، چاپ اول.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد. ۱۳۸۱. مفتاح الکراره فی شرح قواعد العلامه، جلد ۱۰، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- خدا بخشی. عبد الله. ۱۳۹۳. حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه ی قضایی، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- دی ام لیو. جولیان. ۱۳۹۱. داوری تجاری بین المللی تطبیقی، ترجمه محمد حبیبی مجنده، نشر دانشگاه مفید قم، چاپ اول.
- زارع. محمد. ۱۳۹۲. اقدامات تامینی در داوری با مطالعه تطبیقی در نظام های حقوقی خارجی و بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم واحد تهران.
- ساکت. محمد حسین. ۱۳۸۲. دادرسی در اسلام، نشر میزان.

- سریر، فرزانه. ۱۳۸۶. نکات طبقه بندی شده موضوعی آیین دادرسی مدنی، انتشارات مجد، چاپ اول.
- شمس. عبدالله. ۱۳۹۸. آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته) جلد دوم، چاپ بیست و دوم، انتشارات دراک، تهران.
- شهیدی، موسی. ۱۳۸۱. موازین قضایی محکمه عالی انتظامی، چاپخانه علمی، چاپ اول.
- شیروی. عبدالحسین. ۱۳۹۳. داوری تجاری بین المللی، نشر سمت، چاپ سوم.
- صفایی. حسن. ۱۳۹۲. حقوق بین الملل و داوری های بین المللی، چاپ میزان، تهران.
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۶. اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، انتشارات میزان، چاپ هفتم.
- کاظم زاده. میلاد. ۱۳۹۵. بررسی تطبیقی صدور دستور موقت در داوری های تجاری بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- کاکاوند. محمد. ۱۳۸۷. گزیده آرای داوری مرکز داوری اتاق ایران، جلد اول، نشر شهر دانش، چاپ چهارم.
- کریمی. عباس و پرتو. حمیدرضا. ۱۳۹۳. حقوق داوری داخلی، نشر دادگستر، چاپ سوم.
- کلانتریان. مرتضی. ۱۳۷۴. بررسی مهمترین نظام های حقوقی در جهان، تهران، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
- گرین. ماریان. ۱۳۷۸. ترجمه متونی از حقوق بین الملل، برگرفته از دو کتاب، ترجمه بهرام آریان، نشر پیام، چاپ اول.
- مجیبی، محسن. ۱۳۸۹. راهنمای تهیه شرط داوری، فصلنامه مرکز داوری اتاق ایران، دوره جدید، شماره ۲۴.
- متین دفتری. احمد. ۱۳۷۸. آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، دو جلدی، جلد اول، انتشارات مجد، چاپ اول.
- نیکبخت. حمید رضا. ۱۳۹۰. داوری تجاری بین المللی، آیین داوری، نشر موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، چاپ دوم.
- نهرینی. فریدون. ۱۳۹۶. دستور موقت در حقوق ایران و پژوهشی در حقوق تطبیقی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ سوم.
- واحدی. قدرت الله. ۱۳۸۳. آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، نشر میزان، چاپ سوم.
- هدایتی. وحید. ۱۳۹۴. داوری در نظام حقوقی آلمان، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- یوسف زاده. مرتضی. ۱۳۹۳. آیین داوری، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.